

سخنرانی هفتگی در هیئت محبین امیرالمؤمنین(ع) / قسمت سوم مباحث «تنها مسیر»: راحت‌طلبی - جلسه ۷

پناهیان: لذت‌طلبی آن‌قدر انسان را به کفر نمی‌رساند که راحت‌طلبی می‌رساند/ گاهی راحت‌طلبی، خودش را در انتخاب یک طرز تفکر سیاسی نشان می‌دهد/ مردم باید به ویژگی راحت‌طلبی در میان سیاستمداران، مثل یک لکه ننگ نگاه کنند/ باید قدرت روحی خود را از راه «مبارزهٔ درونی با راحت‌طلبی»، افزایش دهیم /

شوق؛ مهمترین عامل برای مبارزه با راحت‌طلبی و فرار از مکر نفس

پناهیان: راحت‌طلبی می‌تواند کار انسان را به جاهای خطرناکی بکشاند. خیلی‌ها آدم‌های بدی نیستند ولی سرلُله‌های خوبی برای عبور دشمنان اسلام و بشریت می‌شوند. اینها بعضاً آدم‌های عافیت‌طلب، آسوده‌خواه و راحت‌طلبی هستند که عَرَضاً جهاد ندارند و می‌گویند: تا جایی که بشود بدون درگیری و دردسر پیش برویم! به ما هم می‌گوییم اگر بدون دردسر بشود خوب است، ولی نمی‌شود. اینها تبدیل به پُلّی برای عبور دشمنان بشریت می‌شوند و بدترین سختی‌ها را به جامعه تحمیل می‌کنند. و بعدش هم برای دفاع از راحت‌طلبی خود، انواع و اقسام توجیحات و تئوری‌ها را هم به کار می‌گیرند؛ از اتهام افراطی زدن به انقلابیون و جهادگران در راه خدا تا اینکه مثلاً از عقلانیت دم بزنند و خیلی از تعابیر دیگر. که همهٔ این تعابیر، انواع تئوری‌های مکر نفس برای راحت‌طلبی است.

با پایان یافتن بخش اول و دوم مباحث بسیار مهم «تنها مسیر»، که به تبیین جهاد اکبر یعنی مبارزه با هوای نفس آشکار و پنهان می‌پرداخت، بخش سوم مباحث «تنها مسیر» با موضوع یکی از مصادیق مهم هوای نفس، یعنی «راحت‌طلبی» آغاز شد که کلیات آن در مراسم سوگواری ایام فاطمیه در حسینیه امام خمینی ارائه شده بود. قسمت سوم مباحث «تنها مسیر» تحت عنوان «راحت‌طلبی اولین گرایش انسان» جمعه شب‌ها در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین به همت هیئت محبین امیرالمؤمنین(ع) برگزار می‌شود. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **هفتمین جلسه از قسمت سوم مباحث «تنها مسیر»** را می‌خوانید:

هر شیوه‌ای برای زندگی انتخاب کنید تا از راحت‌طلبی دور شوید، باز هم این میل مکار خودش را با زندگی

شما وفق می‌دهد / گاهی راحت‌طلبی در یک سکوت بی‌جا جلوه می‌کند

- مخالفت با راحت‌طلبی معمولاً کار دشواری است و راحت‌طلبی - به عنوان یکی از اولین گرایش‌های بالفعل که همراه انسان زاده می‌شود - به سادگی قابل حذف نیست. زیرا اگر راحت‌طلبی را از در بیرون کنید، از پنجره وارد می‌شود؛ یعنی به هر صورتی که با راحت‌طلبی مبارزه کنید و هر شیوه‌ای برای زندگی خود انتخاب کنید تا از راحت‌طلبی فاصله بگیرید، باز هم این راحت‌طلبی - به عنوان یک میل مکار - خودش را با همان مدل زندگی شما وفق می‌دهد و به یک شکلی خودش را وارد زندگی شما می‌کند و دوباره شروع می‌کند به پایین آوردن ارزش‌های وجودی شما.

- مهم نیست که شما دانشجو و طلبه باشید، یا کارگر و کارمند باشید و مهم نیست چه سطحی از زندگی را داشته باشید، فقیر باشید یا ثروتمند باشید، مجبور باشید زیاد کار کنید یا نه، بالاخره انسان در هر موقعیت اجتماعی‌ای که باشد، راحت‌طلبی به عنوان یک میل یا گرایش کلیدی می‌تواند زندگی او را تحت تأثیر قرار دهد و گاهی اوقات آن‌قدر زیرکانه خودش را به انسان تحمیل می‌کند و او را وادار می‌کند تا راحت‌طلبی خود را ارضاء کند که خود انسان هم باورش نمی‌آید گرفتار راحت‌طلبی شده است.

- هر کسی باید نوع راحت‌طلبی خودش را پیدا کند. چون همیشه راحت‌طلبی به «روی میل نشستن» یا «کم کار کردن» یا برخی مصادیق یا مظاهر اولیهٔ راحت‌طلبی که معمولاً می‌شناسیم، نیست. راحت‌طلب خیلی اوقات جلوه‌های پیچیده‌ای دارد. مثلاً گاهی اوقات انسان به خودش دردسر نمی‌دهد که از حق دفاع کند؛ در اینجا راحت‌طلبی انسان در یک سکوت بی‌جا جلوه می‌کند.

مهمترین فلسفهٔ نماز شب خواندن یا صبح بیدار شدن از خواب، مبارزهٔ با راحت‌طلبی است

- شاید بتوان گفت مهمترین فلسفهٔ نماز شب خواندن یا صبح بیدار شدن از خواب(برای نماز)، مبارزهٔ با راحت‌طلبی است. چون این عمومی‌ترین صورت راحت‌طلبی انسان است که وقتی خواب است دوست دارد کسی او را اذیت نکند و لااقل خوابش را با راحتی پشت سر بگذارد تا از خواب سیر شود. لذا حداقل برای نماز صبح و حداکثر برای نماز شب، این‌همه توصیه شده است که «خواب خودتان را قطع کنید» و در قرآن کریم با تعبیر «خالی کردن بستر از وجود خود» یا «پهلوی خود را از بستر جدا کردن» یاد شده است (تَجَافَى جُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ؛ سجده/۱۶)

- **شما ممکن است در خیلی از جلوه‌های پیچیدهٔ راحت‌طلبی بتوانید در مقابل راحت‌طلبی نفس خودتان بایستید، ولی اگر در بحث بیدار شدن از خواب، راحت‌طلبی خود را بزنید و آن را تضعیف کنید آثار خودش را در جاهای دیگر نشان می‌دهد و به شما کمک می‌کند در مقابل جلوه‌های پیچیدهٔ راحت‌طلبی هم بایستید.**

گاهی اوقات راحت‌طلبی، خودش را در انتخاب یک طرز تفکر سیاسی نشان می‌دهد

- راحت‌طلبی جلوه‌های پیچیده و مختلفی دارد. گاهی اوقات راحت‌طلبی، خودش را در انتخاب یک طرز تفکر سیاسی نشان می‌دهد. گاهی اوقات راحت‌طلبی، خودش را در انتخاب یک فلسفهٔ اجتماعی نشان می‌دهد. همهٔ اینها مظاهر آن گرایش‌های پنهان و پیچیدهٔ انسان‌ها هستند. راحت‌طلب بودن حتی به سخت‌کوش بودن انسان هم، چندان بستگی ندارد. بعضی‌ها سخت‌کوش هستند ولی این عدم راحتی‌ها را تحمل می‌کنند تا یک‌جایی جبران کنند و بالاخره میل به راحت‌طلبی خودشان را یک‌جایی تخلیه کنند.

- بعضی‌ها تقوا پیشه می‌کنند ولی این تقوایی‌گی خود را جمع می‌کنند و آن‌را یک‌جایی رها می‌کنند و بالاخره یک بی‌تقوایی‌هایی از آنها سر می‌زند که همهٔ تقوایی‌گی‌های قبلی را جبران می‌کند. مانند بلغم باعوراء، یا برسیسای عابد یا امثال اینها. این افراد تقوا را واقعاً نمی‌پذیرند، بلکه یک مدتی تقوا را تحمل می‌کنند تا یک‌جایی آن را جبران کنند. راحت‌طلبی به صورت پیچیده‌ای در درون روح اینها هست. لذا انسان هرچقدر هم که سعی می‌کند با راحت‌طلبی خود مبارزه کند، باز هم نباید از مکر نفس و پیچیدگی‌های روح خودش در امان باشد.

- همهٔ کسانی که سعی کردند آدم بشوند ولی عاقبت به‌خیر نشدند و منحرف شدند، مشکلات‌شان از این دست بوده که نتوانستند با خودشان کنار بیایند و علیه خود قیام کنند. اینها در مقابل نفس خودشان دلیل بودند و در مقابل نفس خودشان هوشمندانه رفتار نکردند. راحت‌طلبی یک میل بسیار مکار و حیله‌گر است و جزئی از عملکرد نفس مکار انسان است.

بعضی‌ها برای ظاهر یا طرز تفکر خود یک مدلی را انتخاب می‌کنند و می‌گویند: «این‌طوری راحت‌تر

هستیم!»!

- بعضی‌ها برای ظاهرشان، رفتارشان، منش و طرز تفکرشان یک شیوه(مُدل) را انتخاب می‌کنند بدون اینکه واقعاً برای خودشان استدلال کرده باشند و به آن متقاعد شده باشند. وقتی از آنها دلیل انتخابشان را می‌پرسید، می‌گویند: «چون این‌طوری راحت‌تر هستیم!» یا می‌گویند: «من تحمل زخم زبان را ندارم»

- البته نمی‌خواهیم هر کسی که رفتار غلط بود به راحت‌طلبی متهمش کنیم ولی حتی کسانی که خوب رفتار می‌کنند در موضوع راحت‌طلبی متهم هستند، چه رسد به کسانی که بد رفتار می‌کنند. ما اگر ادعا داریم که آدم‌های خوبی هستیم، متهم هستیم که مبادا

راحت‌طلبی‌های پنهان و پیچیده‌ی خودمان را در همین خوبی‌های خود، داریم ارضاء می‌کنیم، چه رسد به افرادی که رفتارهای بد و نادرستی دارند. (مثلاً کسانی که نماز خود را اول وقت نمی‌خوانند.)

لذت‌طلبی آن‌قدر انسان را به کفر نمی‌رساند که راحت‌طلبی می‌رساند

- از امام صادق(ع) پرسیدند: چرا کسی که نماز را ترک می‌کند کافر می‌داند ولی کسی که زنا می‌کند (و حکمش اعدام است) او را کافر نمی‌دانند؟ حضرت فرمود: «چون زناکار تحت فشار شهوتش مرتکب این گناه شده اما کسی که نماز را ترک کرده است، از این کارش چقدر لذت برده است؟ مگر ترک نماز چقدر لذت دارد که بگوییم تحت فشار این لذت، نماز را ترک کرده است؟» **«سُئِلَ مَا بَالُ الرَّأْيِ لَا تُسَمِّيهِ كَافِرًا وَ تَارِكُ الصَّلَاةَ قَدْ سَمَّيْتَهُ كَافِرًا وَ مَا الْحُجَّةُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ لِأَنَّ الزَّأْيَ وَ مَا أَشْبَهَهُ إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ لِمَكَانِ الشَّهْوَةِ لِأَنَّهَا تَغْلِبُهُ... وَ كُلُّ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ قَاصِدًا إِلَيْهَا فَلَيْسَ يَكُونُ قَصْدُهُ لِرُكُوبِهَا اللَّذَّةَ فَإِذَا نُفِيتِ اللَّذَّةُ وَقَعَ الْإِسْتِخْفَافُ وَإِذَا وَقَعَ الْإِسْتِخْفَافُ وَقَعَ الْكُفْرُ»** (کافی/ج ۲/ص ۳۸۶) یعنی لذت‌طلبی آن‌قدر انسان را به کفر نمی‌رساند که راحت‌طلبی می‌رساند. آخرش هم وقتی از او بپرسند، چرا نماز نخواندی؟ در جواب می‌گوید: «حالش را نداشتم! خواستم راحت بنشینم!»
- راحت‌طلبی با اینکه نسبت به لذت‌طلبی در مرتبه‌ی پایین‌تری قرار دارد و آن‌قدری که لذت‌طلبی و شهوت‌پرستی، انسان را فاسد می‌کند، راحت‌طلبی به‌ظاهر آن‌قدر انسان را فاسد نمی‌کند، ولی راحت‌طلبی این قدرت را دارد که انسان را به سادگی کافر کند! گویا خداوند با کسی که در اثر شهوت‌پرستی آلوده می‌شود، مهربان‌تر برخورد می‌کند نسبت به کسی که در اثر راحت‌طلبی، ترک نماز می‌کند.

گِلَّة حضرت زهرا(س) امیرالمؤمنین(ع) و امام حسن(ع) از مردم مدینه و کوفه بر سر راحت‌طلبی آنها بود / راحت‌طلبی کوفیان در نهایت منجر به قتل امام حسین(ع) شد

- گِلَّة حضرت زهرا(س) اطهر(س) از مردم مدینه و تحلیل ایشان از اوضاع زمانه‌ی خودشان همین بود که شما بعد از سختی به راحتی رسیده‌اید و دیگر حاضر نیستید برای خدا قیام کنید. فرمود: «به خدا قسم، من دارم می‌بینم که شما مردم مدینه میل به راحت‌طلبی و آسایش پیدا کرده‌اید؛ آآ و قَدْ أَرَى وَ اللَّهُ أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ وَ رَكَنْتُمْ إِلَى الدَّعَةِ» (کشف الغمہ/۱/۴۹۱) سخن امیرالمؤمنین(ع) و امام حسن(ع) با مردم کوفه نیز همین بود که راحت‌طلبی باعث شده نتوانید برای خدا قیام کنید.
- کسانی که جمع شدند تا ابعادالله‌الحسین(ع) را به شهادت برسانند، اکثراً نسبت به امام حسین(ع) بغض نداشتند، بلکه راحت‌طلبی، آنها را وادار کرد که وارد میدان شوند تا به خیال خودشان، شرّ یک قاتله‌ای را (البته به صورت غلط) از سر خودشان کم کنند. لذا در نهایت کارشان به قتل امام حسین(ع) منجر شد. بسیاری از آنها از سر شهوت‌پرستی نیامدند بلکه از سر راحت‌طلبی آمدند.

برخی راحت‌طلب‌ها پُلّی برای عبور دشمن می‌شوند و بدترین سختی‌ها را به جامعه تحمیل می‌کنند

- راحت‌طلبی می‌تواند کار انسان را به جاهای خطرناکی بکشاند. خیلی‌ها آدم‌های بدی نیستند ولی سرپُل‌های خوبی برای عبور دشمنان اسلام و بشریت می‌شوند. اینها بعضاً آدم‌های عافیت‌طلب، آسوده‌خواه و راحت‌طلبی هستند که غرضه‌ی جهاد ندارند و می‌گویند: تا جایی که بشود بدون درگیری و دردسر پیش برویم! بله ما هم می‌گوییم اگر بدون دردسر بشود خوب است، ولی نمی‌شود. اینها تبدیل به پُلّی برای عبور دشمنان بشریت می‌شوند و بدترین سختی‌ها را به جامعه تحمیل می‌کنند. و بعدش هم برای دفاع از راحت‌طلبی خود، انواع و اقسام توجیها و تئوری‌ها را هم به‌کار می‌گیرند؛ از اتهام افراطی زدن به انقلابیون و جهادگران در

راه خدا تا اینکه مثلاً از عقلانیت دم بزنند و خیلی از تعابیر دیگر. که همه‌ی این تعابیر، انواع تئوری‌های مکر نفس برای راحت‌طلبی است.

مردم ما باید به ویژگی راحت‌طلبی در میان سیاستمداران، مثل یک لکه‌ی ننگ نگاه کنند / گناه سیاسیون

هزاران برابر گناهان مردم عادی عذاب دارد؛ و همین‌طور ثوابشان

- راحت‌طلب‌هایی که در مقابل انقلابی‌گری اصیل و روحیه‌ی جهادی، راحت‌طلبی خود را تئوریزه می‌کنند و آن را پشت اصطلاحات جذاب و جالب پنهان می‌کنند، ان‌شاءالله خداوند هدایتشان کند و اگر قابل هدایت نیستند، روی آنها را سیاه کند که آخرالزمان دوران سیاه شدن روی چنین افرادی است. خداوند اجازه نمی‌دهد کسی یا ملتی با راحت‌طلبی به جایی برسد. اگر از کلام و مرام کسی بوی راحت‌طلبی به مشام برسد، خدا او را به روزگار سیاه خواهد نشانند. مردم ما باید به ویژگی راحت‌طلبی در میان سیاستمداران، مثل یک لکه‌ی ننگ نگاه کنند.
- گناه سیاسیون هزاران برابر گناهان مردم عادی-حتی اگر بدترین گناهان را انجام دهند-عذاب دارد. همان‌طور که ثواب سیاسی هم هزاران برابر ثواب مردم عادی، نورانیت ایجاد می‌کند. به حدی که وقتی شما به حقیقت امر به معروف و نهی از منکر نگاه می‌کنید می‌بینید که اصلش مربوط به عرصه‌ی سیاست و سیاسیون است؛ نه برای بی‌حجاب‌های داخل خیابان. یا وقتی به حقیقت موعظه نگاه می‌کنید می‌بینید که اصل موعظه برای سیاسیون است؛ و همین‌طور سایر معارف دینی. به تعبیر دیگر، اصل دین، این است که مصرفی سیاسی برایش قائل باشیم. حضرت امام(ره) می‌فرمود: «و الله اسلام تماش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند.» (صحیفه امام/ج ۱/ص ۲۷۰) یا در جای دیگر فرمودند: «اسلام دین سیاست است قبل از اینکه دین معنویات باشد» (صحیفه امام/ج ۶/ص ۴۶۷) ایشان که این سخن را فرموده، کسی است که خودش از نظر فردی اهل طی طریق بوده و طعم استفاده از دین در زندگی فردی را عمیقاً چشیده است.
- مکر نفس این است که در زندگی فردی راحت‌طلبی را تئوریزه می‌کند، و سیاستمداران می‌توانند همین کار را در اندازه‌های بزرگ اجتماعی انجام دهند. حضرت آیت الله بهجت(ره) می‌فرمود: «خدا نکند انسان معصیت کند و اگر کرد، خدا نکند معصیت اجتماعی بکند» (bahjat.ir)

انسان با تئوریزه کردن راحت‌طلبی، دین و دنیای خود را در خدمت راحت‌طلبی‌اش قرار می‌دهد/چگونه

می‌توانیم امکانات دنیایی خود را در خدمت مبارزه با راحت‌طلبی قرار دهیم؟

- اگر راحت‌طلبی تئوریزه شود و توسط نفس انسان توجیه شود و توسط عقل دنیانگرا انسان تئوریزه شود انسان بی‌چاره است! در این صورت دین و دنیای خودش را در خدمت راحت‌طلبی قرار خواهد داد. درحالی که انسان می‌تواند دنیای خودش را هم در خدمت مبارزه با راحت‌طلبی قرار دهد؛ شما می‌توانید از پول و امکانات خودتان در جهت مبارزه با راحت‌طلبی استفاده کنید. اگر این کار را انجام دهید، نه تنها ثروت اصلاً چیز بدی نیست و عامل غفلت انسان نمی‌شود بلکه عامل برکت هم می‌شود. مثلاً شما امکاناتی داشته باشید، ولی به‌جای اینکه این امکانات را راحت‌طلبانه برای خودتان استفاده کنید، به مشارکت بگذارید و آن

را در خدمت دیگران و در خدمت دین قرار دهید. در این صورت بخشی از راحتی را از خودتان سلب کرده‌اید.

- مثلاً اگر شما خانه‌ای داشته باشید که بتوانید در این خانه هیات برگزار کنید، باید مدام خانه را جارو کنید و طبیعتاً فرش و وسایل زندگی شما زودتر کثیف می‌شود و اینها زحمت ایجاد می‌کند. اگر این زحمت را قبول کنید و راحتی خود را سلب کنید در واقع امکانات و دنیای خودتان را در خدمت مبارزه با راحت‌طلبی قرار داده‌اید.
- اما بعضی‌ها نه تنها دنیای خودشان را در خدمت راحت‌طلبی قرار می‌دهند بلکه دین خودشان را هم در خدمت راحت‌طلبی قرار می‌دهند. مدام در بین مفاهیم دینی جستجو می‌کنند تا ببینند چگونه می‌توان مسئله راحت‌طلبی را توجیه کرد؟ باید در موضوع راحت‌طلبی مراقب مکر نفس باشیم.

باید قدرت روحی خود را از راه «مبارزه درونی با راحت‌طلبی» افزایش دهیم

- همه کسانی که آرزومند هستند فضای سیاسی جامعه ما پالایش شود و از انواع تئوری‌های پست و پلشت توجیه‌کننده راحت‌طلبی پاک شود و در خدمت فرهنگ جهادی قرار بگیرد، اول باید همان کاری که حضرت امام(ره) انجام داد را انجام دهند، یعنی قدرت روحی خودشان را از راه مبارزه درونی با راحت‌طلبی، افزایش دهند. مهم نیست تعداد این آدم‌های خوب و حزب‌اللهی و معنوی و انقلابی چه تعدادی باشد، اثر وجودی آنها میلیون‌ها برابر دشمنان دین خواهد بود. اثر وجودی آنها خیلی بالاتر از راحت‌طلبها خواهد بود.
- اولین کاری که مؤمنین انقلابی باید انجام دهند این است که تکلیف‌شان را با خودشان روشن کنند؛ و خودشان از سر راحت‌طلبی زندگی و بندگی نکنند، از سر راحت‌طلبی نق نزنند، ناشکری نکنند و برای خودشان انتظار و توقع ایجاد نکنند که باید از آنها قدردانی شود و اگر آنها را تحویل نگرفتند، ناراحت نشوند. همه این‌ها جلوه‌های مختلف راحت‌طلبی هستند. اصلاً خداوند حق طلب‌ها را مظلوم قرار می‌دهد تا ببیند که آیا از خودشان ناراضی‌ت نشان می‌دهند یا نه؟
- ما باید تکلیف خودمان را برای خودمان روشن کنیم. بعد ان شاء الله با قدرتی که در اثر مبارزه با راحت‌طلبی به دست می‌آوریم اراده می‌کنیم و عالم به نفع حق و حقیقت تغییر خواهد کرد. کما اینکه امام(ره) آن قدر با راحت‌طلبی‌های خودش مبارزه کرده بود، که چنین اراده‌ای پیدا کرده بود.
- یک پیرمرد عارف دامغانی که ایشان را به عنوان رفیق عارف حضرت امام(ره) می‌شناختند(علی اکبر معلم دامغانی) درباره مراتب معنوی حضرت امام(ره) سخنانی فرموده بود و یکی از سخنانش این بود که امام(ره) با اراده خودش کارها را پیش می‌برد. و می‌فرمود: امام(ره) با اراده خودش می‌توانست جنگ را به پیروزی مطلوب برساند ولی اطرافیان ایشان خیانت کردند و نگذاشتند. (فارس؛ خیر ۱۳۹۳۰۳۰۹۰۰۶۱۳)

مبارزه با راحت‌طلبی در جریان خودسازی، یک کار دائمی است / کسی که به مبارزه با راحت‌طلبی عادت

کند، این کار برایش - مثل رانندگی کردن - آسان خواهد شد

- ما باید مسئله خودمان را با راحت‌طلبی حل کنیم و خودمان این راحت‌طلبی را کنار بگذاریم. و در جهت مبارزه با راحت‌طلبی - به عنوان یکی از محورهای برترین گرایش‌های هوای نفسی - عمل کنیم و مشغول این کار باشیم. مانند یک راننده که هیچ‌وقت دست از ترمز و کلاچ و گاز و دنده و فرمان بر نمی‌دارد، و البته در ضمن رانندگی می‌تواند کارهای دیگری - مثل صحبت کردن، فکر کردن و

گوش کردن به رادیو - هم انجام دهد. هر انسانی که حیات اجتماعی و سیاسی و علمی و تخصصی دارد، مثل درگیر بودن یک راننده با ترمز و کلاچ و دنده، باید درگیر مبارزه با راحت‌طلبی باشد و مدام این کار را انجام دهد و آن را رها نکند و الا دچار تصادف‌های خطرناک خواهد شد.

- مبارزه با راحت‌طلبی در جریان خودسازی، یک کار دائمی است که انسان باید همیشه با آن درگیر باشد. اگر انسان در این کار(مبارزه با راحت‌طلبی) مهارت پیدا کند، زیاد وقتش را نمی‌گیرد، همان‌طور که درگیری یک راننده حرفه‌ای با ترمز و کلاچ، او را از موضوعات و کارهای دیگر باز نمی‌دارد. کسی که به مبارزه با راحت‌طلبی عادت کند، این کار برایش - مثل رانندگی کردن - آسان خواهد شد. چون کم‌کم مکرهای نفس خودش را یکی یکی می‌شناسد و هر مکرکی که نفسش بخواهد بزند، سریع می‌فهمد و در مقابلش می‌ایستد.

شوق؛ مهمترین عامل برای مبارزه با راحت‌طلبی و فرار از مکر نفس است

- حالا برای اینکه بتوانیم اولاً علیه راحت‌طلبی خودمان قیام کنیم، و ثانیاً علیه مکر نفس، هوشیاری خودمان را حفظ کنیم، باید چه کار کنیم؟ یک عاملی وجود دارد که به سهولت ما را به مبارزه با هوای نفس در مصداق راحت‌طلبی، وادار می‌کند و همین عامل موجب می‌شود که انسان بتواند در مقابل مکر نفس خودش هم ایستادگی کند. این عامل «شوق» است. البته به دست آوردن این عامل یک مقدار سخت است ولی باید آن را توصیف کنیم تا تمنای به دست آوردن این عامل را در دلمان ایجاد کنیم. که همین تمنا، خیلی مؤثر است.
- مهمترین عاملی که راحت‌طلبی را از بین می‌برد، شوق است. شما اولاً با شوق، قدرت مبارزه با راحت‌طلبی پیدا می‌کنید و ثانیاً از مکر نفس خود عبور می‌کنید (دیگر نمی‌تواند شما را فریب دهد)**
- شوق به ملاقات پروردگار، شوق رسیدن به بهشت و رضوان الهی، شوق رسیدن به رضایت خداوند، شوق رسیدن به لبخند امام زمان(ع)، شوق به برقراری و اقامه حق در عالم، شوق به اولیاء خدا و خوبان عالم و شوق به تحقق همه خوبی‌ها در عالم، و «شوق به همه خوبی‌ها».** این شوق فوق‌العاده عجیب است، یک‌وقت نفس خودتان را از این شوق خالی نکنید. هرچقدر سن شما بالاتر می‌رود نگذارید این شوق در شما کم شود یا از بین برود. انسان وقتی شوق اولیای خدا را با آن عظمت و متانت و عقلانیت می‌بیند، تعجب می‌کند که مثل یک نوجوان برای ملاقات خدا اشک می‌ریزند.

این‌که انسان حالت شوق را کنار بگذارد، علامت بزرگ شدن نیست؛ علامت سرد شدن وجود انسان در اثر

بدی‌هاست/ نگذارید این شوق در شما بمیرد

- وقتی پای شوق به میان می‌آید این شخصیت متین اولیاء خدا تبدیل به یک پرنده عاشق می‌شود. تعابیر و لحن‌های او تغییر پیدا می‌کند، رفتارها و احساس‌هایش تغییر می‌کند، نگذارید این شوق در شما بمیرد، این‌که انسان حالت شوق خودش را کنار بگذارد، علامت بزرگ شدن نیست. بلکه علامت این است که وجود انسان تحت تأثیر بدی‌ها، سرد شده است.
- ببینید شوق در ادعیه اهل بیت(ع) چه غوغایی کرده است! مثلاً در مناجات شعبانیه می‌توانید این شوق را ببینید. شوق حضرت امام(ره) را ببینید: وقتی از امام پرسیده بودند اگر حضرت ظهور کند، شما چه می‌کنید؟ ایشان فرموده بود: عمامه خودم را باز می‌کنم

و زیر قدم‌های حضرت می‌گذارم. جواب عاشقانه‌ی امام را ببینید! این شوق است که موجب می‌شود امام(ره) آن ابیات زیبای عارفانه را به سهولت بسراید؛ «من به خال لب ای دوست گرفتار شدم، چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم» وقتی شوق به میان می‌آید نثر تبدیل به شعر می‌شود و نگاه فیلسوفانه تبدیل به یک نگاه ذوقی عمیق می‌شود.

- امام صادق(ع) می‌فرماید: «آدم مشتاق این طوری است که اشتهاهی به هیچ غذایی ندارد و از هیچ نوشیدنی‌ای لذت نمی‌برد و هیچ خوابی او را به آرامش نمی‌رساند و با هیچ دوست شفیقی انس نمی‌گیرد، و در هیچ خانه‌ای آرام و قرار ندارد...؛ الْمُشْتَقُّ لَا يَشْتَهِي طَعَاماً وَ لَا يَلْتَذُّ سَرَاباً وَ لَا يَسْتَنْطِيبُ رُقَاداً وَ لَا يَأْتِسُ حَمِيماً وَ لَا يَأْوِي دَاراً وَ لَا يَسْكُنُ عُمرَاناً وَ لَا يَلْبَسُ ثِيَاباً لَيِّنَةً وَ لَا يَبْرُقُ قَرَاراً...؛ مثل مشتاقی مثل کسی است که دارد غرق می‌شود و هیچ همتی جز خلاص خودش از این غرق شدن ندارد، همه‌چیز را غیر از نجات خودش فراموش می‌کند؛ مَثَلُ الْمُشْتَقِّ مَثَلُ الْعَرِيقِ نَيْسَ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا خَلَاصُهُ وَ قَدْ نَسِيَ كُلَّ شَيْءٍ دُونَهُ» (مصباح‌الشریعه/ص ۱۹۶)

همه کسانی که راحت‌طلبی را تئوریزه می‌کنند در این ویژگی، مشترک هستند که اهل شوق نیستند

- در ضرورت شوق این روایت از امام رضا(ع) واقعاً تکان‌دهنده است که می‌فرماید: «کسی که به ذکر خدا بپردازد و مشتاق ملاقات خدا نشود، خودش را مسخره کرده است؛ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى وَ لَمْ يَشْتَقْ إِلَى لِقَائِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ» (مجموعه ورام/۱۱۱/۲)
- شوق عامل اصلی برای مبارزه با راحت‌طلبی و فرار از مکر نفس است و همه کسانی که دچار فریب نفس می‌شوند و راحت‌طلبی را تئوریزه می‌کنند در این ویژگی مشترک هستند که اهل شوق نیستند. اگر از اول انقلاب تا الان فهرست ریزش‌ها را در کنار هم قرار دهید، این وجه مشترکشان را دارند که اهل شوق نبوده‌اند. البته اینکه «چطور می‌شود فهمید کسی اهل شوق است یا نه؟» نیاز به مجال دیگری دارد.

شوق مضاعفی که امام حسین(ع) در شب عاشورا به یارانش هدیه کرد

- شب عاشورا جایزه‌ای که امام حسین(ع) به یارانش داد چه بود؟ همان یارانی که تا آخر ایستاده بودند و واقعاً لیاقت شهادت را داشتند؟ حضرت پرده را کنار زد و بهشت را به آنها نشان داد و شوق آنها مضاعف شد و روز عاشورا هر کدام از آنها حماسه‌های بزرگ آفریدند. وقتی شما رجز شهدای کربلا را نگاه می‌کنید می‌بینید که کلمات آنها در اوج قدرت و اطمینان و شوق به ملاقات پروردگار است.
- امام حسین(ع) به تنها کسی که جوابی نداده بود و او داشت از اشتیاق بال و پر می‌زد قاسم بن الحسن(ع) که مدام دور عموجانش می‌گشت که آیا من هم شهید می‌شوم یا نه...

